

نقد

یادداشتی بر نمایش منوچهر معتبر

حقیقت پیدا و پنهان

جاوید رضانی

● نمایش طراحی‌های او در گالری طراحان آزاد در عین لذت بصری، غمی عمیق را حاصل می‌کند. این شیرازی نیویورک‌رفته اکنون در آستانه ۸۵سالگی استادی است کم‌نظیر. راهی متفاوت طی کرد معلمی آرام و دقیق. نقاشی محکم که نقاشی بیشتر برایش ابزار است به آرامی تلخی زیستن در این جهان را با تو به اشتراک می‌گذارد.

جهان بصری وی نضج‌گرفته از نمادهایی ساده و بومی است؛ زنان چادری، کلاغ‌ها، تیرهای چراغ برق، صندلی و... او بیشتر همسایه ماست تا ماوا گرفته در هنر والا.

تحصیل در دانشکده هنرهای زیبا را در سال ۱۳۴۵ به اتمام رساند. رفتن به نیویورک و همچنین آموزش هنر در دانشگاه ایندیانا در سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۷۱ و ۱۹۷۷ تأثیر ژرفی بر آثارش گذاشت. در هنرستان پسران و دانشکده‌های هنرهای تهران به تدریس مشغول شد. در پنج دهه فعالیت مستمر بیش از ۳۰ نمایشگاه انفرادی برگزار کرد و در ۵۰ نمایشگاه گروهی در سوئیس، اوکراین، کانادا، آمریکا، آلمان و... شرکت کرده است. تقدیر و جایزه از موزه هنرهای معاصر جهان در کشور «موناکو» در سال ۱۹۸۵ از جمله تقدیرهایی است که او در دوران کار حرفه‌ای‌اش به دست آورده است.

معتبر به تمام تجربه زیسته‌اش وفادار است، از کلدان‌های شمع‌دانی تا مصائب جنگ را به تصویر کشید. وی فیکورهای انسان را در هابویه انسانیت بررسی می‌کند. در آینه خیال‌ش رغبتی به مدهای دیگری در نقاشی نداشت. همچون ادوارد هابر آمریکایی که انسان‌ها را در حقیقت اجتماعی زمانه دید و مقهور توفان بیان‌گرای‌های تجریداندیش نشد. معتبر بدن انسان را خوب می‌شناسد و با قدرت حقیقت‌نایافته در آنان را هویدا می‌کند، فضاها را به‌خوبی سامان می‌دهد با نور و رنگ‌هایی موجز خلوت و دقیق ترکیب اندام‌ها و چارچوب را تنظیم می‌کند. او غمی مهربان دارد، کوجه‌های شهر را به‌خاطر دارد و زنان ایستاده در بزنگاه زمان از نقاشانی است که خود نگاره بسیار می‌کشد. مقهور گنت‌وگویی درونی و فارغ از خودشیفتگی نقاشی مانند کوبه که او هم برتره خود را بسیار کشید.

نقاشی در کل رسانه‌ای تگ‌گفت‌وگو است و از مخاطب تأثیری نمی‌گیرد، حرف خود را می‌زند اما آثار استاد در تلاش برای گفت‌وگو لحظات آشنای



دیدارهای ما را تصویر می‌کند. شیفته بیان حالات مردم رنگ و طرح را جان می‌بخشد و دیدی شاعرانه و فیلسوفانه دارد. بسیار خواننده ادبیات و عادت به نوشتن و پرسیدن به طرح‌هایش راه پیدا کرده‌اند، بسیاری آثار در ترکیب خود نوشته‌هایی دارند که به‌خوبی جایشان پیش‌بینی شده یا نخست قبل از طراحی مطلب را از ذهن روی کاغذ آورده و سپس طراحی را جان بخشیده، نوشته‌هایی درباره مردم، تفکر، هنر، روشنفکران و...

زمانی از تاریکی و نیستی کارهایش سؤال کردند پاسخ او جالب بود: احساس من این است که تمام فضای ما خاکستری شده است، سیاه شده است و همه آدم‌ها زیر خیمه آلوده زندگی می‌کنند. من دلم می‌خواهد آنها مرگ را در نزدیکی خود ببینند و احساس کنند، تا قدر لحظات حیات را بیشتر بدانند و آواز شوری را که در متن زندگی جریان دارد، بشنوند و باور کنند».

طراحی در مسیر تاریخ هنر به سمت آزادی و خلاصه‌شدن پیش رفته تا لبه پارکت انتزاع و عبور از فرم واقع‌گرا، رفتاری که حاکی از یافتن اصلی‌ترین عناصر تصویری که فرم واقع را در ذهن تداعی کند آثار معتبر چنان دقیق به این تأثیرات دست یافته‌اند که در یک حرکت می‌توان به جبرانی خالص از تصویر انتزاعی دست یافت. رنگ را بیشتر سمبولیک و با خساست مصرف می‌کند تا بیان خود را صراحتا تکمیل کند، گویا آخرین حرکت استاد گذاشتن چند لکه رنگ خواهد بود.

مخاطب با دیدن کارهایش شوق وافری برای از نزدیک دیدن مارحل خلق آتش‌ش دارد. گویا تصویر مالا مال از حضور نقاش توان راهایی از مؤلف را ندارد. مسیر تعریق روحی نقاش برای یافتن زبان ناقد تصویری طی ۵۰ سال فعالیت مستمر چنان قوام‌یافته و منسجم است که خارج از حد بضاعت فنی هنر ما می‌نماید و بیننده خاص فهم را متحیر می‌کند و او انسان‌ها را یکسان و فوارغ از جایگاه طبقاتی ترسیم می‌کند؛ نگاهی کل‌نگر و گسترده که در طبیعت‌های بی‌جان وی هم تسری می‌یابد. او هنرمندی است که جایگاه الهام و دیدار حقیقت را بازتاب می‌دهد و در آثارش حقیقت پیدا و پنهان سیری ابدی دارند.

تجسمی



درباره اردشیر محمص در گفت‌وگو با احمد عربانی، داود شهیدی و جمال رحمتی

پهلوانی که تنها مرگ پشتش را به خاک رساند

در آن دوران نشان می‌داد و یادآور کسانی بود که دست شاه را می‌بوسیدند. بعد از معرفی، محمص را دیدم که در خیابان در کنار پرویز شاپور است و دارند به سمت کافه‌ای می‌روند. من هم دنبال‌شان رفتم. از آنجا که ستم خیلی کم بود، وقتی آنها وارد شدند، من جرئت نکردم که حتی وارد شوم. ایستادم و منتظر شدم تا بیرون بیایند. چند دقیقه‌ای گذشت و آنها بیرون آمدند. من سراغ آقای محمص رفتم و گفتم که دوست دارم تا کارهای من را ببینند. او کارهای من را دید و تحسین کرد. بعدتر، این دیدار را به گوته و میخانه حافظ تشبیه کردم و هر بار که از این تشبیه سخن می‌گفتم، لذت می‌برد. بعدتر ارتباط با هر دو آنها نزدیک‌تر شد و آثارم هم در نشریه جهان نو در کنار تورج حمیدیان و پرویز شاپور به چاپ رسید».

شهیدی درباره تأثیر محمص بر هنر ایران این‌طور می‌گوید: «من خودم را مدیون او می‌دانم، چون چشمم را به حرکت آوانگار باز کرد. او از همه هنرها تأثیر گرفته بود و بر همه هنرها تأثیر می‌گذاشت. آثار او طنز گرافیکی است و صرفا موضوعات فکاهی را در بر نمی‌گیرد و از جنس بنگاه شادمانی و کمدی‌های صبح جمعه آن زمان نبود؛ بلکه هنرمندی متعهد بود که باعث می‌شد تا کارش با آثار نقاشانی مثل اونوره دومیه و گئورگ گروس قابل مقایسه باشد؛ جایی در هنر تجسمی معاصر که نقاشی به طراحی می‌رسد و به رسانه‌ای با گرایش اجتماعی قدرتمند تبدیل می‌شود».

این معمار و کاریکاتوریست در توضیح ویژگی‌های اردشیر محمص می‌گوید: «اردشیر محمص کم‌حرف بود. گاهی او را در کتابخانه‌ای می‌دیدم. معمولا در آنجا کارهای‌مان را به هم نشان می‌دادیم و دیدار با کمترین حرف به پایان می‌رسید».

درمورد شیوه کاری اردشیر محمص، اختلاف نظرهایی هست. شاید به این خاطر که او در دوران فعالیت حرفه‌ای‌اش به سراغ موضوعات و شیوه‌های مختلف و متنوعی رفت که کارش را از دیگر کاریکاتوریست‌ها متفاوت می‌کرد. چنان‌که آثارش را گاه طراحی، گاه کاریکاتور، گاه کارتون و... خوانده‌اند. علاوه بر اینها که اردشیر محمص، آثاری را روی بوم نیز اجرا کرده است که بیشتر نقاشی است تا طراحی. همچنین که محمص نه‌فقط شاهد انتشار آثارش در نشریات فکاهی محبوب و مجلات روشنفکری مشهور بود بلکه درعین‌حال کتاب‌هایی از آثارش هم به چاپ رساند و نمایشگاه‌هایی نیز از آثارش برگزار کرد که شیوه کاری‌اش را از دیگر طراحان و کاریکاتوریست‌های هم‌دوره‌اش متمایز می‌کرد. در این مورد به سراغ جمال رحمتی، کاریکاتوریست و طراح گرافیک رفتم. این هنرمند درباره تفاوت و شیوه نگاه اردشیر محمص این‌گونه توضیح می‌دهد: «کارتون معمولا به طراحی موضوع‌دار در وادی گسترده اطلاق می‌شود. با اینکه کارهای اردشیر محمص، ربط مستقیمی به طنز نداشته؛ اما در این وادی جای می‌گیرد. اگر وادی کارتون را یک سمت

طنز بدانیم و از سوی دیگر گروتسک، آثار محمص بیشتر ذیل گروتسک قرار می‌گیرند. در آثار او طنز تلخ همراه با ترس و وهم به چشم می‌خورد؛ شکلی از طنز که گاه آن‌قدر تلخ است که تلخی‌اش بر فکاهی‌اش غلبه می‌کند. با توجه به اینکه محمص در کارش دوره‌های مختلفی داشته وزن این کارها از جهت مضامین انتقادی سنگین‌تر است. شکل اصلی کارهای محمص انتقادی است که این وجه در کارش همیشه مشخص بود. اردشیر محمص مثل کارتونیت‌های آن دوران متأثر از بلوک شرق و رگه‌های هنرهای ایرانی و هنرمندان فرانسوی بود. او روحیه جست‌وجوگری داشت و در وادی‌های دیگر هم تجربه داشت».

رحمتی در قیاس آثار محمص با دیگر هنرمندان، طراحان و کاریکاتوریست‌ها و کسانی که از او تأثیر گرفته‌اند، این‌طور توضیح می‌دهد: «هنرمندان دیگری هم مثل کمورث کیاست یا داود شهیدی را می‌توان نام برد که شاید به نوعی متأثر از او باشند؛ گرچه کار هریک هویت و سبک ویژه خود را دارد؛ ولی آثارشان به شیوه اردشیر محمص نزدیک‌تر بود».

این کاریکاتوریست و طراح گرافیک در وصف ویژگی‌های کاری محمص به نسبت آثار او با جریان روشنفکری اشاره می‌کند: «جریانی که اردشیر محمص دنبال می‌کرد، در پی جریان روشنفکری آن دوران بود؛ یعنی آن جریان صرفا به کارتون منتهی نمی‌شد؛ بلکه می‌توان این شیوه انتقادی را در هنرهای مختلف آن دوران دید و دنبال کرد. مهم این است که همه این تعاریف و توصیفات ما را به اینجا می‌رساند که کار محمص تاریخ مصرف ندارد».

احمد عربانی درمورد تفاوت او با دیگر کاریکاتوریست‌ها این‌طور توضیح می‌دهد: «در دهه ۱۳۴۰ عمده کاریکاتوریست‌ها ازجمله غلام‌علی لطیفی، ایرج زارع، حسن توفیق و بعدتر جوان‌ترهایی مانند من و هم‌سلانم وارد مجله توفیق شدیم. هریک از ما خط‌های متفاوتی داشتیم؛ البته شاید در اردشیر محمص در نگاه انتقادی‌اش و البته شاید در خط‌هایش بارز بود. کار او روشنفکرانه بود و نسبت به هنرمندان معمول آن دوران ساز مخالف می‌زد. نگاهش موشکافانه بود و در فرم باز بیان جامعه مانوس نبود. دوره کارهای قجری‌اش برای اکثریت مانوس‌تر و جذاب‌تر است. نکته جالب در آثارش برای من این است که در بیشتر کارهایش یک طراحی بدون دیالوگ وجود دارد».

اردشیر محمص در سال ۱۳۵۶ و بعد از انتشار چندین جلد کتاب از آثارش تهران را به مقصد نیویورک ترک می‌کند. او بعد از این سفر دیگر هیچ‌گاه به ایران بازمی‌گردد و از طرف دیگر باعث می‌شود که تا سال‌ها علاقه‌مندان ایرانی از دیدن آثارش محروم شوند. در این سال‌ها او ارتباطش با فضای هنری و روشنفکری ایران را کم می‌کند. هرچند با تعدادی از هنرمندان ایرانی ساکن آمریکا در ارتباط بود. داود شهیدی یکی از کسانی است که در سال‌های پس از انقلاب بخت دیدار مجدد با او را پیدا می‌کند. این



جریانی که اردشیر محمص دنبال می‌کرد، در پی جریان روشنفکری آن دوران بود؛ یعنی آن جریان صرفا به کارتون منتهی نمی‌شد؛ بلکه هنری متعهد بود که باعث می‌شد تا کارش با آثار مختلف آن دوران دید و دنبال کرد. مهم این است که همه این تعاریف و توصیفات ما را به اینجا می‌رساند که کار محمص تاریخ مصرف ندارد

آثار او طنز گرافیکی است و صرفا موضوعات فکاهی را در بر نمی‌گیرد و از جنس بنگاه شادمانی و کمدی‌های صبح جمعه آن زمان نبود؛ بلکه هنری متعهد بود که باعث می‌شد تا کارش با آثار نقاشانی مثل اونوره دومیه و گئورگ گروس قابل مقایسه باشد؛ جایی در هنر تجسمی معاصر که نقاشی به طراحی می‌رسد و به رسانه‌ای با گرایش اجتماعی قدرتمند تبدیل می‌شود

در دهه ۱۳۴۰ عمده کاریکاتوریست‌ها ازجمله غلام‌علی لطیفی، ایرج زارع، حسن توفیق و بعدتر جوان‌ترهایی مانند من و هم‌سلانم وارد مجله توفیق شدیم. هریک از ما خط‌های متفاوتی داشتیم؛ اما تفاوت اردشیر محمص در نگاه انتقادی‌اش و البته شاید در خط‌هایش بارز بود. کار او روشنفکرانه بود و نسبت به هنرمندان معمول آن دوران ساز مخالف می‌زد

گالری گردی

نمایشگاه آثار جدید نزار موسوی‌نیادر آرت‌سنتر باغ

جزیره دکارت در باغ انجمن



● مجموعه جدید آثار نزار موسوی‌نیا، با عنوان «جزیره دکارت»، از روز جمعه، ۱۹ آذر، در گالری آرت‌سنتر باغ به نمایش درآمده است. این نمایشگاه تا ۲۹ آذر برقرار است. نزار موسوی‌نیا، متولد ۱۳۵۸،

در طول چند سال گذشته به شهرت قابل ملاحظه‌ای رسیده و آثارش در چند حراجی هم حضور یافته‌اند. او پیش‌تر با گالری‌هایی نظیر خاک، دی و ماه همکاری کرده بود. نمایشگاه کنونی، نخستین همکاری‌اش با گالری آرت‌سنتر است.

گالری آرت‌سنتر بعد از حضوری چندساله در ساختمان قدیمی‌اش، حالا مدتی هست که در انجمن خوش‌نویسان مستقر شده و آثار را در این ساختمان نمایش می‌دهد؛ نام این گالری را، آرت‌سنتر باغ گذاشته که اشاره به حضورش در باغ انجمن خوش‌نویسان ایران است.

آثار نزار موسوی‌نیا معمولا اشاراتی به داستان‌های کهن و افسانه‌ها دارد. در این آثار نشانه‌ها و نمادها بارها به چشم می‌خورند که به شیوه آشنای آثار این نقاش تبدیل شده‌اند و به نظر می‌رسد که در مجموعه کنونی آثارش نیز حضور داشته باشند. نمایشگاه «جزیره دکارت» هم‌روزه از ساعت ۱۱ تا ۲۱ برای بازدید عموم باز است. علاقه‌مندان می‌توانند برای تماشای این نمایشگاه تا ۲۹ آذر، به نشانی: بلوار اندرزگو، سلیمی شمالی، شماره ۱۴۵، باغ انجمن خوش‌نویسان مراجعه کنند.

نمایشگاه آثار محبوبه نوروزی در تالار این / جا

این جانور نیست



● آثار محبوبه نوروزی با عنوان «نور که نباشد»، از روز جمعه، ۱۹ آذر، در تالار این / جا به نمایش درآمده است. این نمایشگاه به مدت ۱۰ روز و تا ۲۹ آذر برپا

خواهد بود. نمایشگاه «نور که نباشد»، ششمین نمایشگاه انفرادی محبوبه نوروزی (متولد ۱۳۵۶) و دومین همکاری او با تالار این / جا به حساب می‌آید. این هنرمند بیش از این بیشتر با گالری الهه همکاری کرده بود. مجموعه کنونی آثار هنرمند با تکنیک مداد رنگی روی مقوا کار شده و شامل ۲۵ اثر می‌شود. در بخشی از متن نمایشگاه آثار هنرمند آمده: «...غدغه اصلی او گذر زمان است که به موازات ذهنیات دیگرش به آن می‌پردازد. شیوه او در بازنمایی با مادرانگی - که صبر و زمان بیشتری می‌طلبد - نیز با مداومت و ریاضت‌گونی‌اش نه‌تنها گذر زمان را بر رخ می‌کشد که مخاطب را به تعریف‌کردن دوباره آن نیازمند می‌کند...». تالار این / جا گالری نسبتا نوپایی است که در طول چند سال فعالیتش رشد قابل ملاحظه‌ای کرده و مورد توجه قرار گرفته است. علاقه‌مندان به تماشای نمایشگاه «نور که نباشد» می‌توانند همه روز، به جز شنبه‌ها، از ساعت ۱۳ تا ۱۹ به نشانی: خیابان کریمخان‌زند، خیابان میرزاشیرازی، شماره ۹۵، تالار این / جا مراجعه کنند.

نمایشگاه یعقوب عمامه‌بیج در گلستان

طبیعت‌های نقاش



● نمایشگاهی از آثار جدید یعقوب عمامه‌بیج، از روز جمعه، ۱۹ آذر، در گالری گلستان افتتاح شده است. نمایشگاه که با عنوان ساده «آثار یعقوب عمامه‌بیج» برگزار شده تا اول دی‌ماه برپا خواهد بود. یعقوب عمامه‌بیج از نقاشان صاحب‌نام و قدیمی است که پیش‌تر چندین نمایشگاه در گالری گلستان برگزار کرده بود. ضرب قلم‌های قوی و رنگ‌های غلیظ از ویژگی آثار این نقاش برجسته متولد شهر تبریز است. عمامه‌بیج استاد دانشگاه و عضو انجمن نقاشان ایران نیز هست. عمامه‌بیج را می‌توان یکی از مشهورترین شاگردان هنرستان میرک تبریز خواند که هنرمندان زیادی را به جامعه هنری ایران معرفی کرده است. او تحصیلات عالیه خود را در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و مدرسه بوزار پاریس ادامه داده است. گالری گلستان پس از بازگشایی مجدد، بعد از همه‌گیری ویروس کرونا نمایشگاه‌های موفق و پسرورودایی برپا کرده است که شامل دو نمایشگاه محمد احصایی، دو نمایشگاه مسعود کیماایی و... می‌شود. درعین‌حال که مدت‌زمان برگزاری نمایشگاه‌ها را که پیش از این یک هفته بود، نیز بیشتر از قبل کرده است. علاقه‌مندان به تماشای نمایشگاه «آثار یعقوب عمامه‌بیج» می‌توانند برای تماشای نمایشگاه، هم‌روزه از ساعت ۱۶ تا ۲۰ به نشانی: خیابان دروس، خیابان کماسایی، شماره ۳۴، گالری گلستان، مراجعه کنند.